

عنوان: رجب، شعبان و رمضان؛ مقدمه ادراک باطن لیلۃ القدر (۱)

تولید شده در کارگروه تولید محتوای معاونت فرهنگی و اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

بهمن ۱۴۰۳

حضرت علی ع در روایت شریفی فرمودند: «شَهْرُ رَمَازَانَ شَهْرُ اللَّهِ وَ شَعْبَانَ شَهْرُ رَسُولِ اللَّهِ وَ رَجَبٌ شَهْرِي»^۱

امام علی علیه السلام فرمود: رمضان ماه خدا و شعبان ماه رسول خدا و رجب ماه من است.

چنانچه می‌دانیم حضرت علی ع باب رسول‌الله ص هستند. پیامبر اکرم ص در روایتی شریف فرموده‌اند: «أنا مدينة العلم و علیّ بابها فمن اراد العلم فلیأت الباب»^۲ من شهر علم هستم و علی ع باب ورود به آن شهر. کسی که بخواهد محضر رسول اکرم ص را ادراک کند، باید از طریق حضرت علی ع ورود کند. پیامبر اکرم ص علم کل و علم مطلق است. آدم ع پیامبر اولوالعزم نبوده است؛ «وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» (طه/ ۱۱۵) اما با این حال، همه علوم بر ایشان افاضه شده است؛ «و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره/ ۳۱) چه رسد به وجود نازنین پیامبر اکرم ص که نه تنها پیامبر اولوالعزم است، بلکه اشرف انبیاء است و هیچ فردی در گذشته و آینده، همپای ایشان از جهت مقامات نبوده و نخواهد بود. همه علوم در نزد پیامبر اکرم ص است.

علوم پیامبر اکرم ص به حضرت امیر ع و همه معصومین علیهم‌السلام منتقل شده است؛ امام صادق ع فرمودند: «عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيًّا ع أَبَا يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ كُلُّ بَابٍ يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ»^۳ پیامبر اکرم ص به علی ع هزار باب علم آموخت که از هر باب آن، هزار باب باز می‌شد. البته عدد هزار در اینجا از جهت حصر نیست، بلکه دلالت بر کثرت دارد؛ وگرنه که حضرت علی ع وارث همه علم پیامبر است؛ به همین دلیل خداوند در شب معراج به پیامبر اکرم ص فرمودند: «یا محمد إن علیاً (ع) وارثک و وارث العلم من بعدک»^۴ ای محمد! همانا علی وارث تو و وارث علم، بعد از توست. این روایت شریف قدسی، مطلق است و بیانگر این است که همه علم پیامبر ص به علی ع منتقل می‌شود.

^۱ وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۶۶، ح ۲۳

^۲ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۴۶۳۹

^۳ الخصال، ج ۳، ص ۶۴۷

^۴ بحار، ج ۵۱، ص ۶۸، ح ۱۱

همچنین پیامبر اکرم ص فرمودند: «یا علی انت وارث علمی و معدن حکمتی والامام بعدی»^۵ ای علی! تو وارث علم من و معدن حکمت من و امام بعد از من هستی! این روایت نیز مطلق است و همه علم پیامبر را در بر می‌گیرد.

از اینجا معلوم می‌شود که منظور از این که حضرت علی ع باب علم پیامبر ص است، باب بودن مادی نیست که میان، باب و شهر، جدایی باشد؛ نباید این روایات را به صورت مادی تفسیر نمود. منظور از باب علم پیامبر بودن، این است که کسی که بخواهد به هر جزئی از علم پیامبر ص برسد باید آن را از مجرای نورانی حضرت امیر ع بگیرد. این نسبت فقط در کسب علم نیست، بلکه حضرت علی ع در همه کمالات، باب الرسول است.

نتیجه مباحث فوق این که حضرت علی ع باب الرسول است و هر کس می‌خواهد به محضر رسول اکرم ص بار یابد، باید از طریق حضرت علی ع به این مقام بار یابد؛ «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (بقره / ۱۸۹) به خانه‌ها از درهای آن وارد شوید.

همان نسبتی که حضرت امیر ع نسبت به پیامبر ص دارد، پیامبر اکرم ص نسبت به خداوند دارد؛ یعنی همان‌طور که علی ع باب الرسول است، رسول اکرم ص نیز باب الله است. امام باقر ع در روایت شریفی فرمودند: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلُهُ الَّذِي مِنْ سَلْكَهُ وَصَلَ إِلَى اللَّهِ»^۶ پیامبر اکرم ص باب الله هستند که جز از آن نمی‌توان به محضر خداوند رسید و راه رسیدن به خداوند هستند که کسی که آن را طی کند به خداوند می‌رسد.

امروزه متأسفانه عرفان‌های نوظهور به شدت جامعه بشری و به ویژه جامعه ما را فرا گرفته است. بشر نیاز فطری به عرفان و معنویت دارد. اگر این نیاز فطری به طور صحیح برآورده نشود ممکن است انسان به طور کاذب و با عرفان و معنویت غلط، این عطش خود را سیراب کند. در این میان، نظامات باطل که سعی در به خدمت گرفتن انسان و تسلط بر او دارند، سعی می‌کنند به طور کاذب، او را سیراب کنند تا انسان از عرفان و معنویت صحیح نماند. عرفان و معنویت صحیح، انسان را به تخدیر و سستی نمی‌کشد، بلکه شوری درونی در او ایجاد می‌کند که نه تنها در درون، بلکه در واقع نیز به مبارزه با طاغوت بپردازد.

عرفان کاذب، علائمی دارد که باید آن علائم را شناخت و به مردم شناساند. یکی از علائم عرفانهای کاذب این است که با محوریت تجربیات بشری پیش می‌رود و متصل به وحی نیست. این عرفانها به وجود واسطه میان انسان و خدا قائل نیستند. این حرف البته از جهتی صحیح است؛ خداوند از رگ گردن به تمام موجودات، از جمله انسان، نزدیکتر است و انسان هرگاه بخواهد می‌تواند بدون واسطه با خداوند ارتباط بگیرد و راز و نیاز کند؛ اما از جهت دیگری این حرف، صحیح نیست؛ زیرا وصول به حضرت حق، قواعدی دارد که باید آن قواعد را از کسی اخذ نمود

^۵ غایه المرام، ج ۱، ص ۱۹۳

^۶ بصائر الدرجات، ص ۱۹۹

که خود، مسلط بر آن قواعد است. علاوه بر این، راه عرفان باید با استمداد از کسانی طی شود که خود، راه را پیموده باشند و بر پستی و بلندی‌های مسیر، اشراف داشته باشند. این افراد، نیستند مگر اهل بیت علیهم‌السلام. برخی از عرفان‌های کاذب، پایه و اساس کارشان بر ارتباط مستقیم و بدون واسطه با خداست که وجه درستی و نادرستی آن را تبیین کردیم. چنانچه در مطالب بالا توضیح داده شد، پیامبر اکرم ص و اهل بیت ع باب‌الله هستند و باید با واسطه علمی و عملی آنها راه سلوک الی‌الله پیموده شود...

ادامه دارد...